

ایران در دوره سلطنت قاجار

تألیف علی اصغر شمیم

از انتشارات کتابخانه ابن سینا

فاضل بزرگوار آقای علی اصغر شمیم اخیراً به تدوین کتابی به نام «تاریخ ایران در دوره سلطنت قاجار» مبادرت نموده‌اند که سعی ایشان مشکور و زحماتی که در انجام این منظور کشیده شده درخور تمجید و ستایش است. مؤلف محترم وقایع تاریخی قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم قمری را مورد بحث قرار داده و با قلم شیوا و سلیس خود حوادث این ایام را تجزیه و تحلیل نموده‌اند، المپته شبهه و تردیدی نیست که نویسندگان دوره قاجاریه در تألیفات خود بالاچار و به پاره‌ای ملاحظات، بسیاری از اتفاقات تاریخی را به نفع زمامداران وقت و اسلاف آنان توجیه نموده و احياناً معکوس جلوه داده‌اند، امتیاز این تألیف منیف به کتب مزبور نقل و اقتباس نوشته‌های مؤلفان خارجی و مقایسه آنها با عقاید و نظرات مورخان ایرانی است تا خوانندگان با مطالعه آنها بهتر به حقایق امور واقف و آگاه شوند. اما ناگفته نماند که نویسندگان و سیاحان بیگانه در ضمن اینکه به حمایت و جانبداری سلاطین قاجاریه و مصادر امور ملزم بوده و حوادث تاریخی را آشکارا و بدون ملاحظه به رشته تحریر کشیده‌اند در اغلب موارد از جاده حقیقت منحرف گردیده و به منفعت دولتهای متبوع خود قلمفرسائی نموده‌اند و به همین سبب عقاید و اظهارات آنان عاری از شباهت غرض نخواهد بود.

از قرار معلوم مؤلف محترم در تهیه و تدوین این کتاب عجله و شتاب به خرج داده و ظاهراً چون الزام داشته‌اند که در موعد مقرر نسخه خطی آنرا آماده و به وزارت فرهنگ تسلیم نمایند تسامحاتی چند در آن راه یافته است. از شرحی که آقای شمیم ضمن مقدمه تألیف جدید خود نوشته‌اند چنین مستفاد میشود که ایشان از هم اکنون مصمم به تجدید طبع کتاب میباشند و از ارباب اطلاع تقاضا شده است که هر گاه مسامحاتی در کتاب مورد بحث مشاهده گردید چگونگی تذکر داده شود تا در موقع تجدید چاپ مورد استفاده قرار بگیرد. با توجه به همین موضوع مسامحاتی که به نظر نویسنده این سطور رسیده است به شرح زیر تذکر داده میشود و امید است که حضرت آقای شمیم رنجیده خاطر نگردد و اطمینان داشته باشند که این جانب چیز امتثال امر ایشان و رفع اشتباهات تاریخی منظور دیگری ندارد.

● آقای شمیم درس ۲ نوشته‌اند: «آقا محمد خان برادران خود جرج جعفر قلیخان بقیه را با حيله و نیرنگ نابود کرد.» این مطلب صحیح نیست. آقا محمد خان يك برادر پشت و کالبدی و هفت برادر سلبی داشت (روضه الصفا چاپ خیام جلد نهم ص ۱۱۴):

۱- حسین قلی خان معروف به جهان سوز شاه پدر فتحعلیشاه برادر اعیانی او بود که به دست ارتق نامی از ترا کمه گو کلان کشته شد. (همان کتاب ص ۱۱۲).

۲- مرتضی قلی خان که به روسیه گریخت و در ۱۲۱۲ در گذشت و جنازه اش را به عقبات

- بردند. (تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران به قلم استاد سعید نفیسی ص ۲۷۵).
- ۳- مصطفی قلی خان که به امر آقا محمد خان چشمانش را میل کشیدند (همان کتاب ص ۲۸۴).
- ۴- عباسقلی خان که در کودکی مرد. (روضه الصفا جلد نهم ص ۱۱۴).
- ۵- مهدی قلی خان که در استرآباد وفات یافت. (همان کتاب ص ۱۸۳) - مهدیقلی خان پسر ابراهیم خان ظهیرالدوله پسر حاج محمد کریم خان کرمانی پیشوای فرقه شیخیه است. فتحعلی شاه بعدها همسر مهدیقلی خان را به حباله نکاح در آورد و نمره این ازدواج محمدقلی میرزا ملک آرا برادر ابراهیم خان ظهیرالدوله میباشد.
- ۶- رضاقلی خان که در مشهد مقدس چشم از جهان پوشید. (روضه الصفا جلد نهم ص ۱۵۳ و تاریخ قاجاریه سپهر جلد اول ص ۲۱)
- ۷- جعفرقلی خان هم بر خلاف آن چه که آقای شمیم نوشته اند در طهران خائنه به قتل رسید (روضه الصفا ناصری جلد نهم صفحات ۲۳۱ و ۲۳۲). آقا محمد خان ظاهراً دعوی دین داری میکرد و چون با این برادر به قرآن قسم خورده بود که وی را یک شب بیشتر در طهران نگاه ندارد پس از اینکه او را کشتند دستور داد فوراً جنازه اش را از شهر بیرون ببرند تا بر خلاف سوگند خود رفتار نکرده باشد. (تاریخ نفیسی ص ۵۴) - احمد میرزا عضدالدوله مینویسد « در وقت خواب یک نفر شاهنامه خوان برای شاه (یعنی آقا محمدخان) مشغول خواندن شاهنامه شد چنانکه در عهد سلطنت خاقان مغفور هم عبدالحسین خان ملایری هنگام سواری پهلوی رکاب اعلی به آواز بلند شاهنامه میخواند. بالجمله شاهنامه خوان در خدمت شاه شهید این بیت را خواند:
- به هر جا سرفتنه جوئی که دید
بپرید و بر رخنه ملک چید
- حضرت پادشاهی به مجرد شنیدن این بیت حالش منقلب شد و در همان شب جعفر قلی خان به طناب افتاد. (تاریخ عضدی چاپ کوهی ص ۷۶)
- ۸- علی قلی خان که فتحعلی شاه به موجب وصیت آقا محمدخان او را نایب ساخت (تاریخ قاجاریه سپهر جلد اول ص ۵۰ و تاریخ عضدی ص ۷۶)
- در صفحه ۵۲ به نقل از تاریخ سایکس نوشته اند: «اعتمادالدوله را در دیگر روغن مذاب انداختند و از او یک پسر باقی ماند. در صورتی که به استناد منابع داخلی حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله شیرازی را پس از قطع زبان و نایب ساختن از هر دو چشم به طالقان و قزوین فرستادند و او در آنجا بعد از تحمل رنج فراوان وفات یافت. از اعتمادالدوله هم نه یک پسر بلکه دو کودک خردسال باقی ماند: یکی میرزا علی رضا که او را مفلوح النسل کردند و دیگری میرزا علی اکبر که بعدها قوام الملک لقب گرفت. میرزا علی اکبر و میرزا علی رضا دو قلو بودند (فارسنامه ناصری گفتار دوم ص ۴۹) چندی بعد که خانواده حاج ابراهیم مورد لطف قرار گرفتند میرزا علی رضا به عنوان خواجه سرا در اندرون فتحعلی شاه به خدمت اشتغال جست و بایسکم جان خانم زن فتحعلی شاه یعنی مادر علینقی میرزا رکن الدوله به مکه مشرف شد. (تاریخ قاجاریه سپهر ص ۱۸۹). وی بانی یکی از قنوات معروف طهران است که به نام او «قنات حاج میرزا علی رضا» خوانده میشود.
- در صفحه ۷۴ که به نقل از کتاب «مرزهای ایران» تألیف مهندس محمد علی مخبر به اختلافات مرزی ایران و روسیه و تشکیل کمیسیون سرحدی ۱۳۰۴ اشاره شده حق این بود که

با استفاده از کتاب « مرزهای ایران و شوروی » تألیف تیمسار سپهبد امان‌الله جهانبانی به کمسیون که سی سال بعد از آن تاریخ تشکیل گردید یعنی به کمسیون مختلط ۱۳۳۴-۱۳۳۵ و رفع اختلافات سرحدی دو کشور اشاره مینمودند تا آخرین و تازه ترین مطالب مربوط به موضوع در دسترس خوانندگان قرار بگیرد.

● در صفحه ۸۲ به نقل از تاریخ ایران تألیف سرپرستی سایکس چنین نوشته شده: «وقتی محمدعلی میرزا کودک بود آقا محمد خان از او پرسید اگر شاه شود چه کار خواهد کرد؟ محمد علی میرزا جواب داد من شمارا خواهم کشت ، این جواب جدی باعث شد که عباس میرزا که پسر دوم بود به ولیعهدی فتحعلی شاه انتخاب شود . »

به دنبال این مطلب آقای شمیم مرقوم فرموده اند: « روایت سایکس ساختگی است زیرا به نقل منابع معتبر داخلی عباس میرزا فرزند ارشد و محمدعلی میرزا فرزند دوم فتحعلیشاه بوده است . » روایت سایکس ساختگی بیست و لسی عباس میرزا پسر دوم فتحعلیشاه نبود و پسر چهارم او بود . آقای شمیم هم در این مورد متأسفانه مسامحه فرموده اند . بامراجعه به منابع داخلی ملاحظه خواهد شد که فتحعلی شاه بسال ۱۲۰۳ قمری دارای پنج فرزند شد به این ترتیب :

محمدعلی میرزا دولتشاه که شب هفتم ربیع الثانی متولد گردید .

» » محمدقلی میرزا ملک آرا که در ۲۳ رمضان

» » محمد ولی میرزا که در غره شوال

» » عباس میرزا که در چهارم ذی حجه

حسین علی میرزا فرمانفرما که در روز عید اضحی (دهم ذی حجه) متولد گردید.

(تاریخ قاجاریه سپهر جلد اول صفحات ۳۱۴ تا ۳۱۶ و روضه الصفا جلد نهم صفحات ۲۲۵ و ۲۲۶) میگویند وقتی خبر تولد این پنج پسر به آقا محمد خان رسید گفت ای کاش لااقل یکی از آنها مانند لطفعلی خان زند، رشید و دلاور از آب درمی آمد.

احمد میرزا عضدالدوله گفتگوی آقا محمد خان و محمد علی میرزا دولتشاه را چنین شرح میدهد: «دولتشاه در سن طفولیت با حضرت خاقان شهید آقا محمد شاه که مردان شصت ساله آزموده نمیتوانستند تکلم کنند سؤال و جوابی کرده اند که محل حیرت است . شاه شهید وقتی به او فرمودند این شمشیر مرصع را اگر به تو بدهم چه میکنی؟ در نهایت جلالت عرض کرد يك شمشیر به دو کمر بسته نمیشود، کردن شمارا میزتم و شمشیر را به کمر می بندم . خاقان شهید بهم برآمدند و در آن روز مادر نوروز خان ایشیک آفاسی باشی که از نسوان محترمه قاجاریه بود اگر شفاعت نمیکرد محققاً شاه شهید آن طفل رامی کشت ولی حسب الامر، ایشان را با محمد ولی میرزا به شیراز بردند و به حضرت جهانبانی سپردند.» (تاریخ عضدی چاپ کوهی ص ۶۶) .

اما علت تعیین عباس میرزا به ولایتعهدی این بود که چون قاجارهای دولوبا قوانلوا یعنی طایفه آقا محمدخان عناد و خصومت و کینه دیرینه داشتند اقامحمد خان پس از وفات کریم خان زند که شیراز را ترک گفت در ورامین به پایمردی مجنون خان یازوکی با رؤسای دولوعقد اتحاد بست . بعدها هم برای تحکیم سلطنت طسایفه قوانلو دختر فتحعلی خسان دولورا به عقد فتحعلیشاه در آورد و به او تآکید کرد تا پسری را که از این ازدواج به وجود می آید به جانشینی خود انتخاب و بدینوسیله دولوها را با قوانلوا در سلطنت ایران شریک و سهیم و از اختلافات احتمالی جلوگیری نماید. (تاریخ قاجاریه سپهر جلد سوم ص ۲ و تاریخ عضدی ص ۵۰)

● درس ۸۷ ضمن بحث پیرامون جنگ ایران و عثمانی در ۱۲۳۷ و شرح جلادت و رشادت سپاهیان ایران و شکست قوای عثمانی نوشته شده است که میرزا تقی خان فراهانی از طرف عباس میرزا ولیعهد برای عقد قرارداد صلح به ارزنة الروم رفت. این مطلب اشتباه فاحش است و میرزا تقی خان در آن تاریخ سیزده پایانزده سال بیشتر نداشت. نماینده‌ای که بسال ۱۲۳۸ از طرف ولیعهد به ارزنة الروم رفت میرزا محمد علی مستوفی متخلص به مایل پسر میرزا کاظم آشتیانی بود. (تاریخ قاجاریه سپهر جلد اول ص ۲۰۳) میرزا محمد علی در ارزنة الروم با محمد امین رفوف پاشا سرعسکر و نماینده عثمانی معاهده‌ای بر اساس عهدنامه‌ای که نادرشاه بادولت عثمانی بسته بود بپاره‌ای تغییرات منتقد ساخت. (برای اطلاع از مفاد فرمانی که میرزا ابوالقاسم قائم مقام از طرف عباس میرزا به میرزا محمد علی نوشته است رجوع کنید به ص ۸۰ منشآت قائم مقام به اهتمام آقای جهانگیر قائم مقامی) البته میرزا تقی خان فراهانی هم به ارزنة الروم رفته است ولی نه در سال ۱۲۳۸ بلکه قریب بیست و دو سال بعد و در زمان محمدشاه و صدارت حاجی میرزا آقاسی.

● در صفحه ۹۲ نوشته شده است که «پس از مرگ فتحعلیشاه وزرای مختار روسیه و انگلیس برای عرض تبریک به محمدشاه از طهران روانه تبریز شدند». نمایندگان دولتمن نامبرده در آن تاریخ اصولاً در تبریز اقامت داشتند و معلوم نشد آقای شمیم به استناد چه مأخذی مطلب بالا را نوشته‌اند. چندی پس از قتل گریبایدوف عباس میرزا نایب السلطنه به اشاره قائم مقام به فتحعلیشاه پیشنهاد کرد که به منظور جلوگیری از تکرار نظایر این قضیه نماینده روسیه در تبریز اقامت کند. جهانگیر میرزا میگوید: «القصة نایب السلطنه بعد از رسیدن به خدمت خاقان مغفور مورد نوازشات بی کران شد و وزیر مختار دولت روس نیز به مراسم پادشاهانه سرافراز شده مقرر شد که به جهت گفتگوی اهالی دارالخلافه و تحاشی فیما بین رعیت دارالخلافه و نوکر باب دولت روسیه ایلچی مختار روس در دارالسلطنه تبریز ساکن باشد». (تاریخ نوس ۱۳۴). سپهر مینویسد: «چون سفارت سیمانوویچ شایع گشت بعد از تقبیل سده سلطنت مقرر شد که در آذربایجان اقامت جوید... و او در نیمه ذیحجه راه آذربایجان گرفت». (تاریخ قاجاریه سپهر جلد اول ص ۲۹۶) رضاقلی خان هدایت نیز در ذیل وقایع ۱۲۴۸ قمری مینویسد: «امنای دولت قرار اقامت او را (یعنی وزیر مختار روسیه را) در تبریز دادند و مخلص و مفتخر او را به آنجا فرستادند». (روضه الصفاى ناصری جلد دهم ص ۵۰) وزیر مختار انگلیس هم با مشاهده این وضع صلاح چنین دید که در تبریز رحل اقامت بیفکند تا از نزدیک مراقب حریف باشد. از زمان سلطنت محمدشاه این وضع تغییر کرد و نمایندگان سیاسی خارجه کماکان در پایتخت اقامت نمودند.

● درس ۱۷۳ نوشته شده است که «شجاع‌الملک فرمانده کل سپاه ایران بدون مقاومت زیاد بوشهر رازها کرد». در صورتی که وی هنگام حمله قوای انگلیس در بوشهر نبود و به گفته مورخان دوره قاجاریه پس از شیوع خبر تجاوز قوای خصم «از شیراز خیمه بیرون زد». (تاریخ قاجاریه سپهر جلد سوم ص ۳۰۴ و روضه الصفاى ناصری جلد دهم ص ۷۳۳ و فارسنامه ناصری گفتاریکم ص ۳۱۳) اسم شجاع‌الملک هم همه جای معنی در صفحات ۱۷۹ و ۱۸۲ و ۵۴۴ و ۵۴۵ به جای مهر علی خان اشتباهاً محمد علی خان نوشته شده است.

● مندرجات ص ۲۰۴ حاکی از این است که دولت فرانسه پس از اینکه کنت دوسرسی رابه سفارت در دربار ایران برگزید او باده نفر افسر فرانسوی که به خدمت دولت شاهنشاهی در آمده بودند

عازم ایران گردید. در صورتی که از مقاد سفرنامهٔ اوژن فلاندن، یکی از همراهان کنت دوسرسی، چنین استنباط میشود که مستشاران نظامی فرانسه قبلاً به اتفاق حسین خان آجودان باشی به ایران آمده و در موقع ورود کنت دوسرسی به تبریز از او استقبال کرده اند. مستشاران فرانسوی سپس به اتفاق آجودان باشی به طهران و از آنجا به اصفهان میروند و مقارن همان ایامی که کنت دوسرسی و همراهانش به حضور محمد شاه میرسند حسین خان آجودان باشی نیز وارد اصفهان میشود و صاحب منصبان فرانسوی را به حضور ملوکانه معرفی میکند. (تحولات سیاسی نظام ایران ص ۶۲)

آقای شمیم در مورد همراهان کنت دوسرسی نیز مسامحه فرموده و مرقوم داشته اند که از جمله همراهان نمایندهٔ فرانسه ژنرال مهندس سمینو بود و سمینو مدتی در ارتش ایران و در محاصرهٔ هرات شرکت کرد. البته سمینو بسال ۱۲۵۳ در محاصرهٔ هرات شرکت داشته (تاریخ قاجاریه سپهر جلد دوم ص ۵۷) و باین ترتیب سه سال بعد از آن تاریخ همراه کنت دوسرسی به ایران نیامده است. ظاهراً مأخذ آقای شمیم در نقل این مطلب مندرجات صفحهٔ ۲۲۵ کتاب امیر کبیر تألیف استاد فقید عباس اقبال آشتیانی است. کتاب امیر کبیر معنوی یک سلسله یادداشتهاست که مرحوم اقبال تهیه و تنظیم و سپس قسمتی از آنها را اصلاح نموده و در مجلهٔ یادگار به چاپ رسانیده است. بقیهٔ این یادداشتها و یا بعبارة احزری مندرجات کتاب امیر کبیر خالی از مسامحه نیست و متأسفانه عمر استاد کفاف نکرده است که در آنها تجدید نظرهایی بعمل آورد. پاره‌ای از این مسامحات را نویسندهٔ این سطور ضمن مقالهٔ مندرج در شمارهٔ ۶ و ۷ سال ششم مجلهٔ راهنمای کتاب متذکر گردیده است.

سمینو در حدود ۱۲۴۱ هجری قمری در خدمت قوای نظامی عباس میرزا نایب السلطنه داخل شد و قریب سه سال بعد که خسرو میرزا برای عذرخواهی از قتل گریبایدوف سفیر روسیه در طهران به سن پترزبورگ رفت از اعضای آن سفارت بود. او در زمان محمدشاه نیز در جنگ هرات شرکت داشت و سرانجام در موقع زمامداری امیر کبیر پس از شکست قوای محمد حسن خان سالار بواسطهٔ ضعف و پیری از خدمت معاف شد. (جنگ ایران و انگلیس ص ۱۲ ترجمهٔ راقم این سطور)

● درص ۲۶۸ نوشته شده است: «وزارت خارجه پس از قائم مقام از طرف حاج میرزا آقاسی اسماً به میرزا علی پسر قائم مقام و رسماً به حاج میرزا مسعود انصاری گره رودی واگذار گردید.» این مطلب نیز خطای فاحش است و مؤلف محترم میرزا علی پسر میرزا ابوالقاسم قائم مقام را که در زمان صدارت پدرش وزیر خارجه بود با میرزا علی پسر میرزا مسعود خلط کرده اند. (ر.ک. مقالهٔ اینجانب تحت عنوان حاج میرزا آقاسی مندرج در شمارهٔ دهم سال هفدهم مجلهٔ یغما). با توجه به اسامی وزرای خارجهٔ ایران که مؤلف در ذیل صفحهٔ ۲۶۸ مرقوم داشته و مأخذ را ذکر نفرموده اند مسلم است که اسامی و وزیران خارجهٔ ایران عیناً از صفحهٔ ۲۴۴ کتاب امیر کبیر اقتباس گردیده است در صورتی که مرحوم اقبال دورهٔ وزارت میرزا علی را از رمضان ۱۲۵۰ تا سلخ صفر ۱۲۵۱ قید نموده و از وزارت او در زمان حاج میرزا آقاسی سخنی به میان نیاورده است.

● آقای شمیم در حاشیهٔ صفحهٔ ۲۶۸ نوشته اند: «میرزا نصرالله خان نائینی (مشیرالدوله) از تدوین کنندگان قانون اساسی است» در صورتی که افتخار انجام این امر با میرزا حسن خان مشیرالدوله

فرزند میرزا نصرالله خان بود. (ترجمه احوال حسن پیرنیا بقلم آقای باستانی یاریزی ص ۱۹ مقدمه ایران باستان)

● در ص ۴۲۰ میرزا حسن خبیرالدوله نادرست و میرزا حسن خبیرالملک صحیح است و علاوه بر این نامبرده گرمانی نبود و از هم زنجیران شیخ احمد روحی و میرزا آقاخان گرمانی بود. میرزا حسن خان خبیرالملک از نجبای خراسان بود که در دستگاه امیرعلم خان حشمت‌الملک حکمران قائنات و سیستان به خدمت اشتغال داشت و بعدها به اسلامبول رفت و در سفارت ایران استخدام شد. (خاطرات سیاسی امین‌الدوله ص ۲۲۰)

این بود شمه‌ای از مسامحات کتاب مورد بحث که از نظریق صفحات مجله از ذکر بقیه آنها خود داری میشود. اما فهرست اعلام و اماکن کتاب هم فوق‌العاده مفشوش و نامرب است که برای نمونه چند فقره آنها ذیلاً خاطر نشان میشود.

۱- اللهیارخان آصف‌الدوله با سایر کسانی که دارای این لقب بوده‌اند از جمله میرزا صالح خان تبریزی خلط‌گردیده است.

۲- نام واسموس جاسوس معروف آلمانی که در جنگ جهانی اول در صفحات فارس فعالیت میکرد اشتباهاً «اسموس» و در ردیف تامهائی که با حرف الف شروع میشود نوشته شده.

۳- اسم صنیع‌الدوله پسر حاج علی‌خان اعتمادالسلطنه هم که بایک محلل یعنی پس از مصطفی قلی‌خان قره‌گوزلو به لقب پدرش ملقب گردید محمدحسن خان بود نه محمد حسین.

۴- علی‌نقی میرزا رکن‌الدوله پسر فتحعلی شاه باعلی‌نقی میرزا پسر محمدتقی میرزا برادر ناصرالدین شاه که پدر و پسر همان لقب را داشتند در یک ردیف قید گردیده.

۵- شعاع‌السلطنه که در صفحات ۳۴۹ و ۳۶۶ به نام او اشاره شده باشجاع‌السلطنه مخلوط گردیده.

۶- میرزا حسن مستوفی‌المالک و میرزا یوسف و میرزا حسن مستوفی‌الممالک سوم جزو هم نوشته شده.

۷- نصرت‌الدوله فیروز میرزا پسر عباس میرزا نایب‌السلطنه بانوه هم نام و هم لقب او در یک ردیف نوشته شده و علاوه لقب او هم اشتباهاً نصرالدوله ثبت گردیده.

۸- امیرافخم‌ادام مظفرالدین شاه حاکم بروجرود و قاتل سید جمال‌الدین اصفهانی با امیر مفضم بختیاری که در جنگ باسالارالدوله در حوالی آن شهر فرمانده قوای دولتی بود خلطاً شده است.

۹- اسم ارشادالدوله که بعدها سردار ارشد لقب گرفت و باغلام رضاخان میرپنج و چند تن دیگر عضو محکمه فرمایشی باغ شاه بود اشتباهاً غلامرضاخان نوشته شده در صورتی که اسم او علی‌خان و معروف به علیخان کاردی بود.

۱۰- اسامی بسیاری از اشخاص هم جزو فهرست منظور نگردیده که از آن جمله است:

احتشام‌الدوله ص ۲۸۳ - امیرافخم ص ۲۸۳ - رکن‌الدوله ص ۴۲۱ ظل‌السلطان ص ۲۸۷ عزیزالسلطان ص ۲۱۵

مجله یغما آفرین بر سعادت نوری با این اطلاعات و تحقیقات بسیار ارجمند. هم مجله یغما ممنون است و هم آقای شمیم دوست عزیز.